

تحریم در جامعه اسلامی

و

حکم پیامبر درباره جمهوری اسلامی ایران

امیر فیض- حقوقدان

در قسمت یکم این تحریر راجع به حساسیت شدید و منفی اسلام نسبت به علاقمندی مسلمانان به رفاه و آسایش و تجملات و اساسا میل به زندگی شامل زن و فرزند و مال صحبت و کیفیت مجازات علاقمندان به زندگی و فعالین سرمایه گذاران، بر اساس آیات قرآن تشریح گردید.

موضع اتهامی مسلمانان

موضوعی که در رابطه با موضوع این تحریر لازم است که در دایره تحقیق قرار گیرد وضع مسلمانان ایران است که زیر حکومت جمهوری اسلامی قرار گرفته اند. تحقیق در این مورد بدان سبب لازم است که پیامبر اسلام یک حکم محکومیتی صادر کرده است و حکم هم بدون محکوم و شمول نمیشود و لاجرم بر این تحقیق وارد است که مشمولین حکم را بشناسیم و در نهایت مسلمانان ایران تمکین نسبت به حکم پیامبر را ارجح بر تمام امور و تکالیف خود قرار دهند.

حکم پیامبر اسلام

«پس از من اقوامی میآیند که طعامهای پاکیزه و رنگارنگ میخورند و خانه ها و کاخهای زیبا بنا میکنند و مساجد را به زیورآلات تزئین میکنند. تمام همت آنها برای دنیاست که به آن دلبسته و اعتناء کرده اند. شرف آنها، درهم و دینار است و تلاششان برای شکم است. آنان بدترین از بد هاستند که فتنه از خود آنها برخیزد و بر خودشان بر میگردد»

(الحیات جلد سوم صفحه ۲۹۴)

مشمولین حکم پیامبر

آیا تردیدی هست که مشمولین این حکم دقیقا جامعه امروزی ایران است و بنا بر حکم پیامبر مردم ایران از بدترین بدها هستند که فتنه سازند؟

بنظر میرسد که پاسخ خوانندگان تحریر آری باشد ولی نه، پاسخ آری نیست و با توضیحی که وارد میشود؛ به پاسخ درست خواهیم رسید.

قرآن که قانون اساسی اسلام شناخته میشود! با آدمیان طرف است نه با حکومت بهمین دلیل تمامی آیات قرآن با عبارت «ای کسانی که» شروع شده است و حتی یک آیه که حکومت را مخاطب ساخته باشد مشهود نیست.

در کشورهای اسلامی که حکومت اسلامی دارند حکومت، مجری قوانین اسلامی است که آنرا حکم حکومتی مینامند؛ در این جوامع اعمالی که مورد نهی اسلام قرار گرفته و مجازات دنیوی برای آن مقرر نشده شامل حکم حکومتی نمیشود بنابراین علاقمندی به زندگانی و تجمل و امثالهم مسئله ای است که در آخرت قابل مجازات است نه در این دنیا (به توضیح در تحریر قبل رجوع شود).

اما صیغه مزبور در جامعه ایران مصداق اجرائی ندارد، زیرا ایران بوسیله حکومت اسلامی اداره نمیشود (مواد قانون اساسی جمهوری اسلامی) نه حکومت اسلامی که فاقد قانون اساسی است.

اینجاست که همان اظهارات محمد یزدی رئیس مجلس خبرگان وارد و راهنمای حل مسئله میشود که گفته «جمهوری اسلامی یعنی جمهور مردم ایران اسلام میخواهند و جمهوری اسلامی هم یعنی آنچه که اسلام میخواهد به مردم بدهد نه آنچه که مردم میخواهند».

تفاوت حکومت اسلامی با جمهوری اسلامی

برجسته ترین تفاوت، دخالت مردم و تفویض اختیار و ولایت است در حکومت اسلامی مردم دخالتی در نصب حکومت ندارند و نصب حکومت یک سیاق اسلامی و سنتی دارد ولی در جمهوری اسلامی ایران مردم مشارکت داشته اند و در واقع حکومت نایب مناب مردم است؛ رفرا ند م سال ۱۳۵۸ نه تنها دلیل گرایش و اسلام خواهی مردم بود بلکه ولایت دادن به حکومت هم بود.

معنای ولایت دادن به آخوند (حکومت) همانطور که شیخ محمد یزدی گفته تفویض این تشخیص و حق است که آنچه اسلام مقرر کرده در اختیار مسلمانان ایران که خود را در مقابل تشخیص حقوق اسلامی در حد صغار میدانند بگذارند.

بنابراین نقش حکومت و ولایت در جمهوری اسلامی با حکومت اسلامی تفاوت کامل دارد و در جمهوری اسلامی گرایش جامعه اسلامی ایران به ثروت اندوزی و رفاه و تقلا برای زیست بهتر، پدیده ای است که موجبات آن بوسیله ولی فقیه و حکومت فراهم شده است، نه مردم، زیرا مردم اختیار این امر را به ولایت داده اند و ولایت است که باید تشخیص دهد که جامعه اسلامی دارد بطرف رفاه و ثروت که خدا و محمد آنرا ام الفساد نامیده است میرود.

آنچه عرض شد مستند قرآنی دارد - مردم شروخیر را تشخیص نیدهند و خداوند است که خیر و شر را تشخیص میدهد و بهره لازم بداند خیر میدهد و یا شر - خدا با ایجاد واسطه هائی بنام پیامبران و امامان به آنها قوه تشخیص خیر و شر اسلامی راداده است و آنها را برای هدایت مسلمان فرستاده است. (!)

یکی از آنها همین سید علی خامنه ای است که زمام امور مسلمانان ایران را از خیر و شر و تشخیص و رواج آن دارد.

جامعه ای که ولی دارد مانند صغیری است که قیم دارد مگر میتوان از صغیر انتظار داشت که خوب و بد شرعی و یا قانونی را تشخیص بدهد؟ البته که خیر؛ همانطور که قیم مسئول عمل خلاف قانون صغیر است در جامعه ایران که در چارچوب ولایت خود را مقید ساخته، مسئول شرعی نزد خدا ولایت و حکومت است نه مردم.

گناهکار در جامعه اسلامی ایران

ملاحظه فرمودید که سیستم حقوقی جمهوری اسلامی بر مبنای ولایت پر امت اسلامی است و همین سیستم حقوقی منطبق با قرآن است که تسری حکم گناهکاری را در جمهوری اسلامی معین و منطبق میسازد و با دقت به هرم و یافت هرمی جمهوری اسلامی بسادگی دریافت میشود که مجموعه قدرت اجرایی جمهوری اسلامی منطبق است با آیه ۲۵۷ سوره بقره که در راس هرم کفر، ولی کفار قرار گرفته است.

اقدامات حکومت جمهوری اسلامی به ریاست ولایت که به فرامین خداوند از نظری نیازی مسلمانان به کفار و عدم اقدام در جلوگیری از تجملی شدن زندگانی و میل به رفاه و ثروت که حکم خداوند است حکومت و خاصه ولایت را دقیقاً در چاقوب آیه ۴۴ سوره مائده قرار میدهد که میگوید < کسی که به حکم خدا عمل نکند و به حکم غیر خدا حکم نماید طاغوت است >

در تفسیر نمونه آمده است: < هر مسیری که بغیر از مسیر قرآن باشد آن مسیر طاغوت است >

(جلد دوم ۲۸۰)

تکلیف مسلمانان ایران

از آنجا که خداوند انسان را با تکلیف و سرگردان نساخته (آیه قرآن) تکلیف مسلمانان را در مقابل طاغوت یعنی حکومت و کسی که به احکام و تصریحات خدا در قرآن اعتنا ندارد کاملاً روشن ساخته است و آن، حکم خروج بر طاغوت است.



۳۵ سال مشترک بفال نیک

۳۵ سال از هجرت محمد میگذشت که مردم مسلمان مدینه علیه عثمان قیام کردند و آن ۳۵ سال مصادف با همین سال است که سی و پنجمین سال حکومت غاصبانه و جبارانه و غیر اسلامی جمهوری اسلامی بر ملت ایران است.

در مروج الذهب جلد اول، حکومت و زمامداری عثمان چنان توضیح شده که نسخه ثانی آن میتواند حکومت ولایتی سید علی خامنه ای باشد عثمان برخلاف سنت شیخین به زندگی تجملی و زندگی در قصر و نگهبان روی آورده بود برخلاف سنت مسلمانان با هزینه سنگینی از مصر دندانسازان آورد که برای او دندان مصنوعی بسازند تمام بیت المال رازیر کلید خودش و نزدیکانش قرارداد (به سازمان های وابسته به رهبری در جمهوری اسلامی رجوع شود که از هر نوع بازرسی و حساب و کتاب و مالیات معاف است).

عثمان منتقدان خودش را با شلاق میزد و یا به حبس می انداخت و یا تحت نظر می گذاشت؛ دقیقا کاری که در حکومت اسلامی آخوند ها رایج و بازداشت مخالفان حکومت، حکم حکومتی اعلام شده نه بحکم قضائی و اظهار هم شده که نیازی به حکم قضائی نیست (موسوی و کروبلی).

جامعه زمان عثمان و خود عثمان و نزدیکان او دقیقا همان شده بود که حکم پیامبر صادر گردیده بود. و هم حکم پیامبر و هم روال زندگی و حکومت عثمان تطبیق میکرد و میکند با حکومت سید علی خامنه ای.

در سی و پنجمین سال ظهور اسلام مردم علیه عثمان و حکومت او شوریدند و ابتدا با نافرمانی به احکام او و سپس با قوه زور سر عثمان را از بدنش قطع کردند و در آن قیام اسلامی زن پیامبر و داماد پیامبر و سرداران و اصحاب پیامبر حضور داشتند و حضور آن شخصیت ها دلیل سنت گرایی و اسلام شناسی مسلمانان آن زمان بوده است که میتواند سر مشقی برای مسلمانان ایران باشد.

تقارن سی و پنجمین سال برقراری اسلام را با سی و پنجمین سال حکومت ولایتی سید علی یک فال نیک است به تجدید آنچه که در سی و پنجمین سالگرد اسلام در مدینه نسبت به عثمان روی داد.

این تحریر و تحریر قبل یک کار تحقیقی اسلامی است نه کار سیاسی - امیر فیض